

جعفر با خواندن خطبه به نام فاطمیان* خود را تحت حمایت فاطمیان مصر و حاکم وقت المعز قرار داد. پس از او حکومت به فرزندش عیسی رسید و سپس در سال ۳۸۴ق. حسن فرزند دیگر جعفر با لقب ابوالفتوح به حکومت مکه تحت اشراف فاطمیان دست یافت.^۲

الحاکم بامر الله، خلیفه وقت فاطمی، از ابوالفتوح خواست تا در موسم حج سال ۳۸۶ق. بر منبر مکه بر پایه اعتقادات اسماعیلیان به برخی از صحابه و همسران پیامبر گرامی بی احترامی کند. این سختگیری باعث شورش و هرج و مرج در مسجدالحرام شد. او خود را در مهار این آشوب ناتوان دید. نیز از لحاظ اعتقادی با این کار موافق نبود. از این رو، با اعلام حمایت آل جراح طایی^۳ از زیر سلطه فاطمیان بیرون آمد و با ادعای خلافت مسلمانان، با شعار اقامه عدل و برپایی امر به معروف و نهی از منکر، مردم را به بیعت با خود به نام «الراشد بالله» فراخواند.^۴

ابوالفتوح با یک شمشیر به گمان این که ذوالفقار است و چوبدستی ای که ادعا می کرد از آن رسول خدا بوده، همراه ۱۰۰۰ برده سیاه

◀ منابع

الانساب: عبدالکریم السمعانی (م. ۵۶۲ق.)، به کوشش عبدالرحمن، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق؛ تاریخ الاسلام: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ شذرات الذهب فی اخبار من ذهب: عبدالحی بن عماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ لسان المیزان: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۰ق؛ السوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

مصطفی صادقی کاشانی



ابوالفتوح: از حکمرانان و سرسلسله

شرفای مکه

ابوالفتوح حسن بن جعفر بن محمد بن حسین از سادات حسنی بود. پدرش جعفر نخستین دولت اشراف* مکه را در سال ۳۶۰/۳۵۶ق. در دوران رقابت میان عباسیان و فاطمیان بر سر حکومت مکه تشکیل داد.^۱

۱. تاریخ مکه، ص ۲۴۵-۲۴۶.

۲. خلاصة الکلام، ص ۱۶.

۳. تاریخ الاسلام، ج ۲۷، ص ۹-۱۰؛ البدایة و النهایة، ج ۱، ص ۳۵۴.

۴. خلاصة الکلام، ص ۱۷؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۷، ص ۹-۱۰.

در مراسم اعلان خلافتش حضور یافت^۱ و دستور داد آیات آغازین سوره قصص را در ابتدای خطبه بخوانند و خلافتش را حکومت مستضعفین بدانند. این سرآغاز با قیام سادات حسنی در روزگار منصور (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق.) بسیار شباهت داشت.^۲ ابوالفتوح با سفر به شهر «رُمَّلَه» مرکز آل جراح در فلسطین، با احترام بسیار مردم آن دیار روبه‌رو شد که او را امیر المؤمنین می‌خواندند.^۳

این کار که معادلات سیاسی را به نفع عباسیان بغداد تغییر می‌داد، بر الحاکم فاطمی گران آمد و او را واداشت تا در طول سفر ابوالفتوح به فلسطین، با جدا کردن آل جراح، متحد شریف مکه، و میدان دادن به رقبای حسینی او در مکه (سلیمانین) ابوالفتوح را زیر فشار قرار دهد. این تدبیر مؤثر افتاد و ابوالفتوح را که در رمله از تغییر رفتار آل جراح و تسخیر مکه به دست عموزادگانش آگاه شده بود،^۴ وادار کرد تا با پس گرفتن عنوان خلافت و طلب عفو از الحاکم، حکومت مکه را بازپس گیرد و خود را بار دیگر کارگزار فاطمیان در

۱. المنتظم، ج ۱۴، ص ۳۵۷؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۷، ص ۱۰؛ البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۳۵۴.

۲. تجارب الامم، ج ۷، ص ۲۸۰-۲۸۱.

۳. تجارب الامم، ج ۷، ص ۲۸۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۴. تجارب الامم، ج ۷، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲.

مکه بنامد.^۵

از رویدادهای مهم دوران حکمرانی ابوالفتوح در مکه، آسیب دیدن حجرالاسود به دست یکی از مصریان بود. در روز جمعه یازدهم ذی‌حجه سال ۴۱۳ق. پیش از بازگشت حاجیان از منا به مکه، مردی مصری که گریزی به دست داشت، به سوی حجرالاسود آمد و فریادزنان سه ضربه بر آن زد و سه سوراخ، هر یک به اندازه انگشت دست، در آن ایجاد کرد. وی هنگام فرار به دست مردم خشمگین افتاد و کشته شد. جمعیت خشمگین به افراد مظنون به همدستی با او نیز حمله آوردند و بیش از ۲۰ نفر را کشتند. برخی از همدستان دستگیر شده او ادعا کردند که گروهی ۱۰۰ نفره این توطئه را طراحی کرده بوده‌اند. از آن جا که این مرد را مصری معرفی کردند، حاجیان مصری که به فاطمیان منتسب بودند، در آن سال مورد هجوم حاجیان مکه و عراق قرار گرفتند. بنی‌شیبیه، پرده‌داران حرم، تکه‌های حجر را که به اندازه ناخن ریز شده بودند، گرد آوردند و با مشک و صمغ به حجر چسباندند و آن را با طلا پوشاندند. اثر این کار تا زمان نگارش منابع این گزارش موجود بوده است.^۶

بر پایه گزارشی، برخی از اطرافیان الحاکم،

۵. تجارب الامم، ج ۷، ص ۲۸۲؛ خلاصة الکلام، ص ۱۷.

۶. المنتظم، ج ۱۵، ص ۱۵۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۸، ص ۲۴۸.

ابوالفتوح که جایگاه اجتماعی اش مدیون انتساب به رسول خدا بود، کمک گیرند. فقدان این گزارش در منابعی مانند کتاب‌های دحلان، فاسی و ابن ظهیره که به تاریخ مکه پرداخته‌اند، شاهدی دیگر بر ضعف آن است.^۲ در سال ۳۹۶ق. القادر عباسی طی نامه‌ای از ابوالفتوح خواست تا اجازه دهد مردم عراق برای زیارت خانه خدا عازم مکه شوند. ابوالفتوح با این شرط که خطبه به نام الحاکم، خلیفه فاطمی، خوانده شود، با اعزام حاجیان عراق موافقت کرد.

ابوالفتوح که به شجاعت، قدرت بدنی و عدالت‌گستری معروف بود، پس از ۴۳ سال حکومت در سال ۴۳۰ق. درگذشت و از پی او پسرش شکر، ملقب به تاج المعالی، به حکومت رسید.^۳

◀ منابع

امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۲۰ق؛ البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۴۰۸ق؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر:

۲. تاریخ مکه، ص ۲۵۱.

۳. خلاصة الکلام، ص ۱۸؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲؛

الکامل، ج ۹، ص ۴۴۶.

خلیفه فاطمی مصر را وسوسه کردند تا با انتقال بدن مطهر پیامبر گرامی ص و شیخین به مصر، اقبال مسلمانان را به سوی مصر برانگیزند. بر پایه این نقشه، الحاکم مسجدی بزرگ و نفیس در مصر ساخت و در سال ۳۹۰ق. ابوالفتوح را برای اجرای این نقشه زیر فشار قرار داد. ابوالفتوح بدین منظور حاکمان آل مهنا* از اشراف بنی حسین را از مدینه بیرون راند. مردم مدینه با شنیدن این خبر و استماع آیه ۱۳ توبه/۹ که مسلمانان را به مبارزه با کسانی می‌خواند که قصد خارج کردن پیامبر خدا را داشتند، خشمگین شدند و به مقاومت در برابر ابوالفتوح مصمم گشتند. در این میان، اوضاع طبیعی نیز آشفته شد و طوفان و زلزله شهر را فراگرفت و باعث شد تا ابوالفتوح از زیر بار فرمان الحاکم شانه خالی کند.^۱

ساختگی بودن این گزارش به دست دشمنان فاطمیان مصر که آنان را زندق می‌دانستند، بعید نیست؛ زیرا این اقدام نه تنها اقبال مسلمانان را در پی نداشت، بلکه باعث نفرت بیشتر از فاطمیان می‌شد؛ در حالی که آنان می‌کوشیدند با انتساب خود به پیامبر خدا این تبلیغات منفی را خنثا کنند. نیز بسیار بعید می‌نماید که فاطمیان برای چنین توهین آشکاری به پیامبر خدا، از شخصیتی مانند

۱. امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۶۲۶.

الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه: احمد السباعی (م. ۳۴۴ق.)، ترجمه: جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۵؛ تجارب الامم: ابوعلی مسکویه الرازی (م. ۴۲۱ق.)، به کوشش امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش؛ خلاصة الکلام فی بیان امراء البلد الحرام: احمد بن زینی دحلان (م. ۱۳۰۴ق.)، مصر، المطبعة الخیریه، ۱۳۰۵ق؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

علی جباری



ابوالقاسم اَکاف نیشابوری: از

مدرسان ایرانی در مکه

ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالصمد سختی شافعی (م. ۵۴۹ق.) در سرزمین نیشابور در خاندان معروف به اَکاف زاده شد.^۱ اَکاف پارچه مخصوص پوشش حیوانات است و چون شغل یکی از اجداد ابوالقاسم دوزندگی و فروش این پارچه بوده، به این نام خوانده شده‌اند.^۲

ابوالقاسم فقه را نزد ابونصر قُشَیری

۱. التحبیر، ج ۱، ص ۳۹۵؛ الانساب، ج ۱، ص ۲۰۲؛ طبقات الشافعیه، ج ۷، ص ۱۵۱.
۲. الانساب، ج ۱، ص ۲۰۲؛ اللباب، ج ۱، ص ۸۲.

(م. ۵۱۴ق.) آموخت و از علی بن عبدالله الحیری و عبدالغفار شیروی (م. ۵۱۰ق.) اجازه نقل حدیث گرفت.^۳ وی افزون بر فقه و حدیث به فلسفه و دیگر علوم آشنا بود.^۴ پس از مدتی عازم مکه شد و از عبدالملک طبری و محمد جوینی (م. ۴۳۸ق.) بهره گرفت.^۵ فاسی در کتابش از سه ایرانی صاحب کرسی تدریس نام برده که یکی از آنان اَکاف است.^۶ او کتاب مختصر این جوزی را در مسجدالحرام تدریس می کرد و بسیاری در مجلس درس وی حضور یافته، تعلیقات استاد را بر آن می نگاشتند.^۷

ابوالقاسم پس از مکه مدتی در بغداد ساکن گشت و آن گاه به نیشابور بازگشت.^۸ گفته‌اند که وی در زهد و ورع یگانه روزگار بود. از او به عنوان ضرب المثل در پاکی و ترک دنیا یاد می شد. به اندک مال حلال راضی بود. بسیار انفاق می کرد و از کارهای ویژه اش گرفتن بینی هنگام انفاق عطریات بود تا حتی همین اندازه نیز از بوی آن لذت نبرد.^۹

۳. الانساب، ج ۱، ص ۲۰۲؛ المنتظم، ج ۱۸، ص ۹۹؛ طبقات الشافعیه، ج ۷، ص ۱۵۲.
۴. الانساب، ج ۱، ص ۲۰۲.
۵. التحبیر، ج ۱، ص ۳۹۸-۴۰۰؛ العقد الثمین، ج ۵، ص ۳۶۳.
۶. العقد الثمین، ج ۵، ص ۳۶۳.
۷. طبقات الشافعیه، ج ۷، ص ۱۵۲.
۸. طبقات الشافعیه، ج ۷، ص ۱۵۲.
۹. المنتظم، ج ۱۸، ص ۹۹؛ التحبیر، ج ۱، ص ۳۹۸-۴۰۰؛ طبقات الشافعیه، ج ۷، ص ۱۵۲.